

ساختارشکنی نزد سینماگران نسل جوان ایران پگاه نگاهی



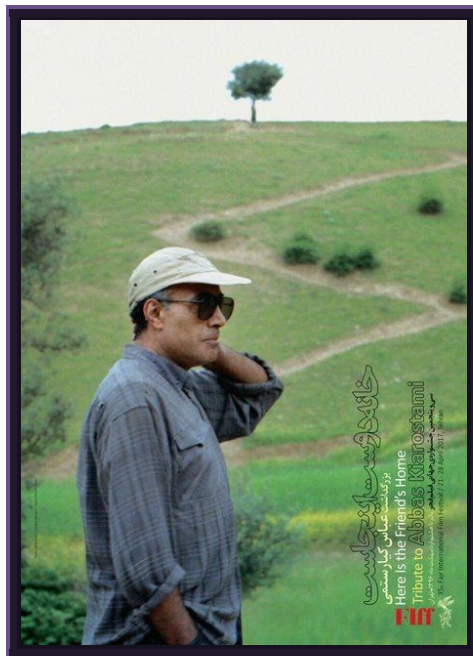
کارگردان یک اثر همواره در پی روزنه برای آزادی از چارچوب بسته زمان و مکان دورین است. بی تردید می توان گفت سینمای ایران تاکنون مسیر این نوآوری را با موفقیت، تجربه کرده است و خارج از مرزهایش، زبان سینمایی جدیدی را به سینمای جهان افزوده است.

هدف این نوشتار، مرور اجمالی بر آثار سینمایی نسلی است که در دهه پنجاه به دنیا آمده و هر چند آشنایی با سینمای پیش از انقلاب را دارد، اما تجربه هنری خود را پس از آن دوره و در گسستگی با آن آغاز کرده است.

سینمای ایران بعد از انقلاب اسلامی، دستخوش موانع بسیار شد. از رکودی شروع می شود و انتظار می رود این هنر در تضاد ناشی از تسلط و تحمیل احکام دینی به بن بست تاریخی خود رسیده باشد. اما این سینما به تدریج راه خود را از میان محدودیت ها می گشاید. سینماگر ایرانی نسل بعد از ۱۳۵۷ نه تنها چارچوب سینما را به چالش می کشد، بلکه از کادرهای بسته قوانین حاکم شده به شیوه های خلاق می گریزد. نه تنها می گریزد، بلکه گاه با ایهام و گاه شجاعانه این قوانین را به نقد می کشد. همزمان، سینما وسیله ای برای تبلیغات مذهبی و انقلابی به ویژه در مورد جنگ ایران و عراق می شود. این گونه می شود که مشابه قلمروهای دیگر هنری و

اجتماعی دو گرایش متفاوت، اغلب متقابل و موازی، سینمای ایران را تعریف می کند. شاید همین تقابل های موازی؛ حضور بی رنگ فیلم های غربی بر پرده سینماهای ایران و رخداد های سیاسی، فیلمسازان را بیش از گذشته به کشف دیدگاهی غیرمتعارف دعوت می کند.

نسلی که نطفه خلاقیت اش پیش از انقلاب شکل گرفته است، تقلید پذیری را کنار زده و سینمای خود را به تکامل می رساند. این نسلی است که ارتباط شاعرانه سینمایی خود را با ادبیات نوین ایران و اشعار نیمایی می یابد و ما را به سینمای شاعرانه کیارستمی هدایت می کند. بی شک به غیر از کیارستمی می توان از فیلمسازان دیگری همچون ابراهیم گلستان، آربی آوانیسان و سهراب شهید ثالث یاد کرد که از پیشگامان موج نو سینمای ایران هستند. در این میان، کارگردانان برجسته ای چون پرویز کیمیاوی، بهرام بیضایی و داریوش مهرجویی، ساختار قوی و منسجم فیلم را به نسل پس از خود عرضه می کنند. نسل فیلمسازان پس از انقلاب دانش آموخته از نسلی می شود که سینما را به طور علمی و تکنیکی شناخته است، اما این نسل، تلاش دارد که تقلید نکند و خود را بشناسد.



عباس کیارستمی

شاید اصغر فرهادی را می توان کارگردانی دانست که هنوز به سینمای کلاسیک وفادار مانده است. دیگر فیلمسازان مطرح سینمای امروز ایران همچون شهرام مکرری، مجید برزگر، محمد

شیروانی و عبد آبست در حال کشف سینمای متفاوتی هستند که در ایران خلاء آن احساس می شود.

مشابه همان جریان نوآوری که دههٔ چهل در مقابل فیلمسازی شکل گرفت و همین طور تفکر اگزوستنسیالیستی که فرهیختگان آن زمان را تحت تاثیر خود قرارداد، اتفاق افتاد و این نسل را نیز به ساختارشکنی و نوآوری ترغیب کرد. دغدغهٔ فیلمسازان کنونی، ساختارشکنی در میدان بزرگتر است. چراکه ارزش های فرهنگی برای این نسل، ماهیت بیرونی و تحمیلی دارد و در تضاد با فروپاشی های اخلاقی کنونی جامعه ایران است. افزون بر آن، سینمای عقیدتی و فرمایشی، این نسل را به شک گرایبی عمیق تری به ارزش های اخلاقی جامعه که گرایش به نهلیسیم دارد، سوق می دهد.

سینمای پسامدرن - ترسناک و جنایی: شهرام مکرری

شهرام مکرری به ژانر فیلم های ترسناک گرایش دارد. ژانری که کارگردان نسل های گذشته شاید به جرات می توان گفت هرگز به آن نپرداخته اند. او آثار خود را تحت تاثیر آثار معمار و



شهرام مکرری

گرافیسیت هلندی، موریس اشرف می‌داند. مکرری تلاش مبتکرانه دارد که از بیان خطی زمان و مکان بگریزد و زمان را مشابه معادلات ریاضی در پیرامون‌های قرار دهد که بیننده را درگیر می‌کند. در فیلم "اشکان، انگشتر متبرک و چند داستان دیگر" ساخته سال ۱۳۸۶ نقطه پایانی فیلم در حقیقت، همان دقایق آغازین فیلم است.

در فیلم "اشکان، انگشتر متبرک و چند داستان دیگر" انسان‌های فیلم ریشه و ماهیت ندارند. هر آن‌ها شخصیتی می‌تواند با وقوع حوادث، جای دیگری را بگیرد. یکی از جانیان که مأموریت به قتل رساندن دختر جوانی در حال گریز با دوست پسرش را دارد، خود طمعه آنان شده و در حادثه تصادف با خودرو آنان کشته می‌شود. ناگهان آنکه قرار بوده مقتول باشد، قاتل شده و از صحنه تصادف می‌گریزد.

شهرام مکرری سینمای پسامدرنی را تجربه می‌کند که مخاطبش نمی‌تواند از تصویر جدا شده و داستان گوی اتفاقاتی باشد که در سالن سینما مشاهده کرده است. به عبارتی، پس از پایان نمایش، مخاطب نمی‌تواند راوی داستان باشد. در صحنه‌ای که اشکان با حلقه دار تلاش در خودکشی دارد در اتاق هتل با ورود دومرد نابینا غافلگیر می‌شود. تماشاگر درحالی که شاهد گفتگوی دو مرد نابیناست، از تلاش همزمان ناموفق خودکشی اشکان به خنده می‌افتد. صحنه‌ای که بازگویی آن مضحک به نظر نمی‌رسد.



نرسیدن به آرزوهای شخصی، خوب و بد نمی شناسد. هم مجری عدالت، هم مجرم و هم آنکه معصومانه می کوشد به زندگی خود خاتمه دهد، نرسیدن را تجربه می کنند. تنها اشکان است که رسیدنی را تجربه می کند که دیر شده است. راوی نخستین صحنه فیلم، بدون آنکه بداند، سجده مرگ و نه امید را درمقابل فرشته آرزوها که بطور سمبلیک در پایان فیلم از آسمان به زمین فرود می آید، پیشگویی کرده است.

در فیلم "گره و ماهی" از شهرام مگری، شبخ ترسناک در واقع توهم زمان است. بیننده دایره های درهمی از زمان را تجربه می کند. شهرام مگری به دنبال ادبیات خاصی در فیلم هایش است که تطبیق با سبک پست مدرن او داشته باشد. در گفتگویی در فیلم "گره و ماهی" راوی از ماجرای پاره شدن بند بادبادک می گوید: "بند برید، خورد مستقیم توی چشمش. از اون روز به بعد رنگ چشمش عوض شد. کلی رفتیم دکتر، ولی رنگ چشمش عوض نشد. بعد گفت: همین جوری خوبم، می خوام همین جوری باشم. ولی به نظرم عسل خودش هم راضیه. چون چیزهایی را می بیند که بقیه نمی تونند ببینند. اینم خیلی حالش را خوب می کنه... فکر کنم آدمها را یک جوری دیگه می دید، نه فقط آدمها را، درختا را، همه چی رو." نگارنده این شیوه گفتمان را تا حدی نزدیک به شیوه "کاریکلماتور" (واژه ای که برای اولین بار شاملو در مورد نوشته های پرویز شاپوری به کاربرد) می بیند. یعنی تلاش در خلق فیلمنامه ای برگرفته از ادبیات تصویری که در فیلمنامه های شهرام مگری، زمینه توهم، هم آن را همراهی می کند.

سینمای آوانگارد - توهم و خیال: محمد شیروانی

در فیلم کوتاه "دایره"، اولین فیلم کوتاه محمد شیروانی، برگزیده منتقدین جشنواره کن سال ۱۹۹۹ باز هم مضمون، "نرسیدن" است. پیرمرد داستان بالاخره به بازی دایره که آرزوی کودکی اوست می رسد، اما دیر. او رهایی یک کودک را برای بازی با آرزوی کودکی خود ندارد. او شرمگین، تلاش در تحقق این آرزوی ازدست رفته را می کند. محمد شیروانی برای ساخت این فیلم از خدمت سربازی فرار کرد.

فیلم "لرزاننده چربی"، دومین فیلم بلند شیروانی است که در سال ۲۰۱۳ برنده بیرطلائی جشنواره روتردام و منتخب ویژه سان دنس شد. "لرزاننده چربی" گذشته از عنوان غیرمعتارفش، معنادار است. در این فیلم همه چیز لرزان و بی ثبات است. از دوربین گرفته تا چربی های

بدن هنرپیشه فربه داستان تا تارهای عصبی مخاطب که از این همه از هم پاشیدگی اجتماعی دچار لرزش روانی می شود. اثری شجاعانه که نه تنها محافظه کاری کارگردان نسل گذشته را برنمی تابد، بلکه هراس از دست دادن مخاطبین خود را هم ندارد. در فیلم "لرزاننده چربی" توهم، بی ریشه بودن انسان ها، آشفته گی و سردرگمی انسان های فیلم با نفس های سنگین زنده یاد لوون، بر سینه تماشاگر سنگینی می کند. او به خوبی سنگینی استبداد جامعه را بطور سمبلیک با انتخاب هنرپیشه سنگین وزن که پدر مستبد و زورگویی است، در مقابل پسر کرو لالش ترسیم می کند. پسر کرو لال در کنار پدر ستمگر و خشن، نمادی از خفگی و زیستن انفعالی نسل جوان امروز ایران است. پدر در نقش شیاد امر به معروف و نهی از منکر، دختران خوشگذران را طعمه ساخته، با دستبند تهدید و اخاذی می کند. اما دستبند قدرت دست به دست می شود و وقتی مامور امر به معروف و نهی از منکر به مرز خصوصی او، خانه اش تجاوز می کند، اوست که منفعل قدرت می شود. در بخش های پایانی فیلم در توهم پدر می گذرد که در استخر غوطه ور شده و دستبند خود را به پلکان استخر کلید می کند. عمق آب در این جا نمادی است که او را وارد دنیایی می کند که از سنگینی وزن و هیکل هراسناک او می کاهد. در همان زمان پسر جوان به سمت او می رود، او چابک شنا می کند، آزاد و شناور است، با راهنمایی پدر کلید دستبند را می یابد. پسر جوان در حالی که کلید را در دست دارد به سطح آب بازمی گردد تا اکسیژن را ببلعد و از خفگی خود را نجات دهد. فیلمنامه نقش کمرنگی در آثار شیروانی دارد. تلاش او در دوری جستن از تاثیر ادبیات بر فیلم و رسیدن به خود هنر سینما است. این فیلم و چند فیلم دیگر شیروانی، هنوز اجازه پخش ندارند!

سینمای واقع گرا - عاطفی (رئالیسم - دراما): مجید برزگر

مجید برزگر با ساخت اولین فیلم بلند خود به نام "باران های موسمی" در سال ۱۳۸۸ کارگردانی سینما را به طور جدی آغاز کرد. فیلمی که ۸ سال اجازه اکران نگرفت و با وجودی که در ظاهر، فیلم داستان تازه ای ندارد و آسیب های اجتماعی نسل نوجوان ایران را به روی پرده نمایش می برد، ولی تلاش دارد که تصویر و رویکردی متفاوت را روایت کند. سینما نوجوانی تنها، دلسرد و سرخورده است که مجید برزگر، واقع گرایانه با پرسه زدن در میان نوجوانان شهرک اکباتان خلق کرده است.



محمد شیروانی

فیلم بلند دیگر مجید برزگر، "پرویز" که جایزه ویژه هیئت داوران شصتین دوره جشنواره فیلم سن سباستین را در ۲۰۱۲ از آن خود کرد و برنده جوایز چند جشنواره بین المللی دیگر نیز می باشد، درباره پروسه تحولات شخصیت مرد سنگین وزنی است که سالها آرام چون کودکی در کنار پدر زندگی می کند. زنده یاد لوون با بازی درخشانش، پرویز است که علاقه ای به تحرک ندارد و دورین همراه او در یک جا میخکوب شده و او به دورین زندگی خیره می نگرد. اما ورود زنی که همسر پدر می شود، زندگی او را متحول می کند. پس از پنج دهه از خانه پدری رانده می شود. شرایط اجتماعی اش تغییر می کند و از این موجود آرام یک عصیانگر ترسناک می سازد. او بر علیه سالها تحقیر دست به شورش می زند. شرم و ترس هایش فرو می ریزد. بی تفاوت می شود. کشف می کند که او هرگز زندگی نکرده... خرسی پنجاه ساله در خواب زمستانی، ناگهان بیدار و در پی آن انسان شده است. مجید برزگر مشابه هم نسل های سینمایی خود مضمون ازهم پاشیدگی، رابطه تحقیرآمیز میان پدر- پسر و استبداد پدرسالاری را موفقیت آمیز در این فیلم به تصویر می کشد. میز شام سمبل قدرت پدر و استبداد اوست. برمسند او، هیچ کس غیر از او نمی نشیند. او به پرویز عصیانگر بر سر میز شام با پرخاش امر می کند: اینجا سیگار نکش! پرویز پاسخ می دهد: چرا؟ پدر صدایش را بالاتر می برد: چون من میگم، چون اینجاخونه منه. ولی پرویز با بی تفاوتی سیگار خود را روشن می کند و می گوید: من الان مهمونتم. پرویز از خط قرمز عبور می کند و بر صندلی پدری می نشیند. زوایای بسته دورین، هیکل و نفس های سنگین پرویز، یک احساس خفگی را تداعی می کنند. اما چه

شرایطی سبب زندگی انگل وارو بی هویت او شده است؟ و چرا قدرت را در آزار و انتقام می یابد؟ این سوال هایی است که مخاطب را پس از پایان فیلم رها نمی کند.



مجید برزگر

سینمای آوانگارد- دراما: عبد آبت

عبد آبت دنیای سینما را با بازیگری آغاز کرد. در فیلم های متعددی از جمله "ماهی و گربه" و



عبد آبت در جشنواره برلین

هجوم، نقش ایفا کرده سپس به کارگردانی روی آورد و دومین فیلم بلند او به نام تمارض (۱۳۹۵) در جشنواره های متعددی حضور داشته است. او یکی از جوانترین کارگردانان ایران است که می توان به زودی شاهد موفقیت فیلم های او در جشنواره ها بود.

تنگناها و دشواری های سینماگران جوان ایران

باید به سینمای نسل جوان امیدوار بود و در کنارش با نقدهای علمی این آثار از آنان حمایت کرد. هنر سینما رابطه تنگاتنگ و همگام با ادبیات دارد. در محدوده اطلاعات نگارنده هنوز نویسندگانی که آثارشان همچو صادق هدایت شیارهای عمیق و ماندگار بر ادبیات امروزین ما بگذارد، در میان نویسندگان پس از انقلاب اسلامی پای به میدان ادبیات نگذاشته اند. در عین حال، نسل کنونی، حوصله جستار و نگاه دقیق به ادبیات گذشته را ندارد. کمبود تفکر عمیق احساس می شود. نسل جوان نویسندگان و کارگردانان با اسطوره های محلی و قومی ایران ناآشناست. چهاردهه است که تبلیغات عقیدتی حکومت تلاش دارد ارتباط توده مردم را با فرهیختگان ادبی و هنری جامعه قطع کند و با ماهیت زدایی، فرهنگی واپس گرا که ریشه های ذاتی و تاریخی ندارد را جایگزین کند.

در حالی که حمایت نهادهای حکومتی تولید با ضرر فیلم هایی که اکثرا فاقد ارزش هنری هستند را ممکن می کند، سینمای مستقل و جوان ایران در خطر توقف و تنگنای مالی قرار دارد. یافتن سرمایه برای فیلمی که ریسک عدم گرفتن اجازه پخش آن بالاست، آسان نیست. مواقعی کارگردان باید بخش هایی از یک فیلم را حذف کند تا بتواند اجازه نمایش فیلم بگیرد که طبعا بر کیفیت اثر سینمایی تاثیر گذار است. محدودیت سرمایه، گاه فیلمساز را منصرف از ساخت بخش هایی از فیلم می کند. یا کارگردان قادر نیست با کیفیت بهتری وقت و زمان بیشتری را بگذارد. مثلا فیلم "پرویز" به دلیل تنگنای مالی حاصل دو روز کار مجید برزگر و همکارانش است.



شرایط دشوار ساخت فیلم در داخل کشور سبب شده است که بعضی از فیلمسازان ایران فیلمسازی را در کشورهای دیگر ادامه دهند. که متأسفانه دیگر پیوندی با سینمای مردم ایران ندارند. بعضی کارگردانان دیگر فیلم نمی‌سازند. تعدادی فیلمسازان ایرانی تبار برون مرزی هم هستند که برای بسیاری از مردم ایران ناشناخته‌اند. از لحاظ تبلیغات، داخلی سینمای مستقل ایران توسط رسانه تصویری صدا و سیما محکومتی تحریم شده است. حتی گاه فیلمسازان مورد مجازات‌های قانونی قرار می‌گیرند. مثلاً حبس یا ممنوع‌الخروج می‌شوند و یا اجازه ساختن فیلم را ندارند.

در حال حاضر، شاید تلاش خستگی‌ناپذیر بخش بازاریابی سینمای مستقل ایران در سطح جهانی که در کشف استعداد های فیلمساز ایران نقش به‌سزایی داشته است، انگیزه اصلی کارگردان جوان مستعد برای ادامه ساختن فیلم در چنین شرایط دشواری در داخل کشور باشد.

در این نوشتار از کارگردانان زن مقیم کشور که به تدریج بر تعداد و موفقیت‌های آنان افزوده شده، سخنی به میان نیامد. زیرا که تبعیضات جنسی علیه زنان موضوع محوری بیشتر آثار کارگردانان زن می‌باشد که بررسی جداگانه‌ای را می‌طلبد و شاید در آینده به آن پرداخته شود.